

سبک زندگی سیاسی امام سجاد(ع) و نقش آن در حفظ و رونق شیعه

عمران عباسپور¹

چکیده

هدف: مطالعه حاضر با هدف بازخوانی سبک زندگی سیاسی امام سجاد(ع) و نقش آن در حفظ و رونق دادن به مذهب تشیع انجام شده است. **روش:** این نوشتار به روش کتابخانه‌ای و تحلیلی - توصیفی و با استفاده از منابع معتبر اسلامی به شیوه داده‌بنیاد انجام شد؛ بدین صورت که پس از فیش‌برداری سبک زندگی سیاسی امام سجاد(ع) از منابع مزبور، نقش هر یک از ساحت‌های زندگی ایشان، بررسی شده است. **یافته‌ها:** امام سجاد(ع) مرد میدان علم و عمل بودند و با استفاده از سبک زندگی ویژه خویش، تلاش کردند هم خون شیعه را حفظ کنند و هم معارف بلند دینی را به مردم انتقال دهند. ایشان با استفاده از ابزارهای مهمی همچون: قالب دعا، خطبه‌خوانی، بی‌توجهی نسبت به حاکمان جور، تلاش برای هدایت عالمان درباری و مبارزه با جبرگرایی، توانستند سه کار مهم سیاسی و اجتماعی؛ یعنی تبیین خصوصیات امام عادل، حفظ خون شیعه و بیان خطوط کلی و اصلی دین را انجام دهند. **نتیجه‌گیری:** امام سجاد(ع) مرد میدان مبارزه برای تحقق هدف خداوند از خلقت و تشکیل حکومت بودند؛ ولی به علت عدم آمادگی جامعه، برای آماده کردن مردم از سبک زندگی سیاسی ویژه‌ای استفاده کردند.

واژگان کلیدی: سبک زندگی، سیاست، خطبه‌خوانی، حاکم عدل، حاکم جور.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

دریافت مقاله: 96/08/24؛ تصویب نهایی: 97/03/22

1. دکتری مدرسی معارف اسلامی؛ دانشگاه معارف قم (گرایش قرآن و متون اسلامی)، استادیار گروه معارف اسلامی دانشگاه تبریز / نشانی: تبریز؛ خیابان 29 بهمن، دانشگاه تبریز، دانشکده الهیات و معارف اسلامی، گروه معارف اسلامی / نامبر: 04133377471

Email: e.abbaspur@gmail.com

الف) مقدمه

هر کدام از ائمه(ع)، متناسب با زمان خود، رفتار خاصی را برای هدایت مردم از خود نشان دادند. در این میان، فهم نوع رفتار امام سجاده(ع) با مشکلات زیادی همراه است؛ زیرا با اینکه حاکمان جور در دوره امام(ع) برای کنترل جامعه و پیشبرد اهداف شوم خود به هر ستمی دست زدند و گروههای مختلفی از ایشان برای شروع قیام دعوت کردند، اما اقدام مسلحانه و خشونت آمیزی از امام سجاده(ع) دیده نشد. این نوع رفتار امام باعث شده است این تفکر در ذهن بعضی شکل بگیرد که امام سجاده(ع) بر خلاف امامان پیش از خود، اهل مداهنه و کنار آمدن با ستمگران بود! متأسفانه برخی روایات جعلی نیز این توهم را تشدید می‌کند؛ در صورتی که رفتار اهل بیت(ع) همواره متناسب با شرایط اجتماعی شکل گرفته است و برای فهم آن باید زندگی آنان با تمام حدود و ثغور مطالعه شود. در زمان امام حسین(ع)، مردن روحیه سلحشوری در بین مردم و نیاز حیات اسلام به خونی که بتواند روحی تازه در جامعه اسلامی بدمد، باعث شد امام به نبرد مسلحانه روی بیاورند و با استفاده از ابزارهای مختلف، چهره واقعی حاکمان جور را نشان دهند؛ ولی برای تبدیل ایمان عاطفی مردم به ایمان عقلانی، امام سجاده(ع) از دو شیوه در دوره‌های مختلف زندگی خود استفاده کردند که مطالعه هر کدام از آنها برای رهیابی به زندگی پربار ایشان اهمیت فوق العاده‌ای دارد.

بعد از شهادت امام حسین(ع)، امام سجاده(ع) باید با گفتن حق و حقیقت، دین و اهداف قیام امام حسین(ع) را تبیین و از ایجاد انحراف جدی در دین و پایمال شدن خون سیدالشهدا جلوگیری می‌کردند؛ به همین سبب، بدون هیچ ملاحظه‌ای سخنان خود را بیان می‌کردند(مسعودی، 1965: ج 3: 33). در دوره دوم، به علت وجود جنگهای داخلی، لزوم حفظ خون مسلمانان در مقابل حاکمان جور، سست‌عنصری و اشتغال مردم به امور دنیوی و جری‌تر شدن حاکمان جور، امام(ع) سبک سیاسی ویژه‌ای را اتخاذ کردند(مظفر، بی‌تا: 36). برای کاربست زندگی امام سجاده(ع) به عنوان جزئی از مبانی اعتقادی و عملی شیعه، تبیین این نکات حساس زندگی ایشان و شناخت اعتقادات آن حضرت در حوزه حکومت و سیاست، از نیازهای مهم زندگی امروز است که باید تلاش شود این ظرایف زندگی امام، کشف و پاسخ بسیاری از شبهات داده شود.

ب) روش تحقیق

این تحقیق بر اساس روش داده‌بنیاد¹ با استفاده از روش استقرایی انجام شده که از بهترین روشها برای نظریه‌پردازی در حوزه مباحث دینی است. در این روش، فرایند ساخت یک نظریه مستند و مدون، از طریق گردآوری سازمان‌یافته داده‌ها و تحلیل مجموعه داده‌های گردآوری شده به منظور پاسخگویی به پرسشهای

473 **◆** سبک زندگی سیاسی امام سجاده(ع) و نقش آن در حفظ و رونق شیعه

نوین است(مهرایی و همکاران، 1390: 11). تلاش ما این است که با مطالعه روش زندگی سیاسی امام سجاده(ع)، سبک زندگی ایشان برای گذر از دوران بحرانی حاکمیت جور، در عین استقامت در مسیر حق و بیان اعتقادات دینی بررسی شود.

سؤال تحقیق: امام سجاده(ع) برای تبیین دین و حفظ خون شیعه، چه سبک زندگی سیاسی را برگزیدند؟

فرضیه تحقیق: امام سجاده(ع) با استفاده از یک سبک زندگی سیاسی تلاش کردند تمام مطالب دین را بیان کنند و در این مسیر برای حفظ خون شیعه، از قالبهای ویژه‌ای استفاده کردند تا حساسیتی در جامعه ایجاد نکند.

ج) مفهوم شناسی

«سبک» فلز ذوب شده را در قالب ریختن، طرز، شیوه، روش بیان ادراک و احساس (معین، 1386: 592؛ دهخدا، 1377: 13412) است و «سبک زندگی»، شیوه و قالب بیان‌کننده ادارکات محسوس یک موجود زنده(به طور خاص انسان) است. آیت الله مهدوی کنی بعد از مباحث پر دامنه، این اصطلاح را چنین تعریف کرده که: سبک زندگی، الگو یا مجموعه‌ای از رفتارها، وضع‌ها و دارایی‌هایی است که ناشی از سلیقه باشد(مهدوی کنی، 1387: 225) و بعضی نوشته‌اند که سبک زندگی، الگویی از باورها، گرایشها و رفتارهایی است که انسانها در تعامل با شرایط محیطی خود، آگاهانه برای ارضای احساسات و تمایلات نفسانی‌شان اعتبار می‌کنند.(برزگر و کریمی پیراوند، 1394: 31)

«سیاست» به معنی شیوه تأثیرگذاری بر بستر رفتارهای دیگران در جهت تأمین مصالح عمومی است(همان: 34). به نظر ما تعریف برزگر، از توضیح‌دهندگی بهتری برخوردار است؛ بنابر این، منظور ما از سبک زندگی سیاسی، الگویی از باورها، گرایشها و رفتارهای سیاسی است که انسانها در تعامل با شرایط محیطی خود، آگاهانه برای ارضای احساسات و تمایلات نفسانی و تأثیر بر بستر رفتارهای دیگران در نظر می‌گیرند. از آنجا که امام سجاده(ع) جامعه را بستری برای تحقق آرمان خلافت الهی انسان می‌دانستند، الگوهای رفتاری ویژه‌ای را برای تحقق این اهداف ارائه دادند. شرایط زندگی امام سجاده(ع) به گونه‌ای بود که ریاست علنی عامه مسلمانان برای ایستادن در مقابل حاکمان جور ضروری به نظر می‌رسید؛ ولی عواملی مانع از این شد که امام به این کار اقدام کنند.

د) علل اقدام نکردن امام به تشکیل حکومت اسلامی

انحراف علمی و عملی حاکمان و مردم در زمان امام سجاد(ع)، شکلی آشکار به خود گرفته بود؛ به طوری که آشکار شدن این انحرافها منجر به شکل‌گیری حرکت‌هایی از طرف مردم شد (ادیب، 1368: 154). در چنین زمانی، ضروری به نظر می‌رسید که شخصی مثل امام سجاد(ع) رهبری حرکت‌هایی مثل حرکت توأبین کوفه و مدینه را به عهده بگیرند و قیام‌های مردمی را به نتیجه برسانند. شاید به نظر برسد علت ممانعت امام از این کار، شخصیت صلح‌جوی ایشان یا خستگی و شاید هم ترس و درس گرفتن از واقعه عاشورا بود! در صورتی که باید توجه داشت که شروع یک اقدام اساسی برای ریشه‌کن کردن حکومت جور و پایه‌گذاری حکومت عدل، نیازمند عواملی است که بدون آنها، قیام‌های الهی شکست خورده و خون انسان‌های زیادی ریخته می‌شود. در چنین شرایطی، امام سجاد(ع) سبک زندگی سیاسی ویژه‌ای را اتخاذ کردند تا هم مردم را با دین خدا آشنا کنند و هم روح رشادت را در کالبد مردم بدمند. برای این کار، حضرت تلاش کردند تا باطن قیام‌های مردمی، الهی شود؛ زیرا در موارد زیادی گرچه مردم با نیت پاک قیام می‌کردند، ولی باطن این قیامها طاغوتی و به قصد تسلط حاکم جور دیگری بود که نمونه آن، قیام مردم مدینه در واقعه حره بود. در این واقعه، با اینکه در رأس آن مردان بلندمرتبه‌ای مثل عبدالله ابن حنظله قرار داشتند، ولی برای اجرای فرامین الهی و سپردن حکومت به دست صاحبان اصلی حکومت نبود؛ بلکه با تحریک عبدالله ابن زبیر شروع شد که جنایات و سوءاستفاده‌های او از دین، کمتر از امویان نیست (رنجیر، 1386: 150). امام سجاد(ع) با دوری‌گزیدن از این حرکت، الهی نبودن باطن این حرکت را اعلام و تلاش کردند خون انسان‌های بی‌گناه بیهوده ریخته نشود. از طرف دیگر، این قیامها تنها ماهیت عاطفی داشتند نه عقلانی؛ زیرا مردم هنوز درک نمی‌کردند که امویان تا چه اندازه از اسلام دورند. برای حل این مشکل، حضرت جنگ علنی را رها کردند و راه تبیین دین را در پیش گرفتند. به همین خاطر به دعوت مردم کوفه برای قیام پاسخ منفی دادند و فرمودند: «هنوز خون‌هایی که در سرزمین کربلا ریخته شده، خشک نشده‌اند» (ابن طاووس، 1411: 93-92).

از طرفی، امام سجاد(ع) به این امر ایمان داشتند که تا وقتی از طرف پایگاه‌های مردمی آگاه پشتیبانی نشوند، در دست گرفتن قدرت برای دگرگون‌سازی اجتماع اسلامی کافی نیست. پایگاه‌های مردمی نیز باید از هدف‌های این قدرت آگاه شده و به ایده‌های او در حکومت ایمان داشته باشند و برای حمایت از آن حرکت کنند و در برابر تندبادهای استواری و قدرت بایستند. شرط پیروزی، تبدیل شدن آن افراد عاطفی قلیل و ضعیف، به مردمی آگاه و قوی بود. با تکیه بر نسل‌های ضعیف و وارفته، در دست گرفتن جنبش شیعی برای رسیدن به هدفی بزرگ میسر نمی‌شد؛ بلکه پیش از آن باید سپاهی عقیدتی آماده می‌شد که به هدف‌های امام ایمان داشته باشد و از دستاوردهایی که برای امت حاصل می‌شود، حراست کند (ادیب، 1368: 161). برای رسیدن به این هدف، امام در سبک زندگی سیاسی خویش، اهداف ذیل را پیگیری می‌کردند.

1. آگاه‌سازی مردم از شرایط حاکم بر جامعه و جایگاه اهل بیت(ع)

در نیمه قرن اول هجری، مسلمانان از لحاظ فرهنگی و سیاسی در حالت سستی خاصی به سر می‌بردند؛ به طوری که انواع ظلم و جور حاکمان، واکنشی را در میان مردم ایجاد نمی‌کرد. در چنین شرایطی، امام حسین(ع) برای بیدار کردن جامعه و دفاع از دین، قیام الهی خویش را شروع کرد که یکی از عوامل شکست ظاهری این قیام، سست‌عنصری مردم کوفه بود. البته امام حسین(ع) هیچ وقت با تکیه بر مردم کوفه قیام نکرد. خود نیک می‌دانست که نمی‌توان به این مردم هزار چهره اعتماد کرد؛ بلکه دعوت مردم کوفه تنها محل این واقعه مهم تاریخی را تعیین کرد(مطهری، 1385، ج 2: 121-114). این قیام اگر در کربلا می‌ماند، به زودی در گذر زمان از خاطرها فراموش می‌شد و هیچ اثر هدایتی نداشت. یکی از وظایف مهم امام سجاد(ع) این بود که پیام خون امام حسین(ع) را با استفاده از فضای عاطفی حاکم بر جامعه، به گوش مردم برسانند. به همین منظور، با استفاده از ابزار خطبه‌خوانی در شهر کوفه، مردم را متوجه عمل زشتشان کردند. حضرت بعد از معرفی خود، خطاب به مردم فرمودند: «بعد از انجام این خیانتها... به من بگوئید که با کدام چشم می‌خواهید به روی رسول خدا(ص) بنگرید، هنگامی که به شما بگوید: عترت مرا کشتید، حرمت حریم مرا شکستید، پس شما دیگر از امت من به حساب نمی‌آید؟!». بعد از خطبه امام سجاد(ع)، مردم از حضرت برای گرفتن انتقام شهدای کربلا دعوت به همکاری کردند، که با واکنش منفی امام روبه‌رو شدند.(ابن طاووس، 1411، ج 2: 31)

دقت در نوع برخورد امام سجاد(ع) در این شهر و شهرهای دیگر، یکی از راههای مبارزاتی ایشان را نشان می‌دهد که برای کندن ریشه بنی‌امیه و ایجاد نفرت در دل مردم نسبت به آنان، به وسیله ایجاد احساس گناه و با استفاده از تذکر سه اصل مهم دینی؛ یعنی توحید و نبوت و معاد و لزوم پاسخگویی در مقابل اعمال، در مردم شکل می‌گرفت و امام هر روز بر لهیب این آتش می‌افزود که این نفرتها خودش را در قالب قیامها نشان می‌داد(ادیب، 1368: 156). در قدم دوم، کاروان آزادگان کربلا به شام رسیدند که مردم آن، با دین حقیقی شناختی نداشتند؛ بلکه آشنایی آنان با دین اسلام از طریق بنی‌امیه بود که تنها ظاهری از دین را شناخته بودند و با جایگاه واقعی اهل بیت نبوت آشنا نبودند(مسعودی، 1965، ج 3: 33؛ شهیدی، 1374: 65). امام سجاد(ع) در مجلس بزم یزید، جایگاه رفیع اهل بیت(ع) و چهره کریه بنی‌امیه را معرفی کردند. حضرت پس از حمد و ثنای الهی و شمردن فضایل خاندان نبوت فرمودند: «خدا... پیامبر بزرگ اسلام، صدیق(علی علیه‌السلام)، جعفر طیار، شیر خدا و... و امام حسن و امام حسین(ع)، دو فرزند بزرگوار رسول اکرم را از ما قرار داد. ای مردم! ... من فرزند محمد مصطفی و علی مرتضایم، من فرزند کسی هستم که بینی گردن‌کشان را به خاک مالید تا به کلمه توحید اقرار کردند. من پسر آن کسی‌ام که برابر پیامبر با دو شمشیر و با دو نیزه جنگید و دو بار هجرت و دو بار بیعت کرد و در بدر و حنین با کافران جنگید و به اندازه چشم بر هم زدنی

به خدا کفر نورزید، ... آری او جدم علی بن ابیطالب است. من فرزند فاطمه زهرا، بانوی بانوان جهانم». (خوارزمی، 1423، ج 2: 76-78)

امام آنقدر به این حماسه افتخارآمیز ادامه دادند که شیون مردم به گریه بلند شد. یزید بیمناک شد و برای جلوگیری از شکل‌گیری انقلاب و ساکت کردن امام، به نیرنگ اذان و نماز متوسل شد که امام در ادامه، مردم را با چهره خاندان نبوت و حاکمان برگزیده از طرف خدا آگاه کردند (همان: 86-87). حضرت در جای دیگری خودشان را ذوی‌القربی و اهل بیت معرفی می‌کنند. (کوفی، 1411، ج 5: 130)

مدینه سومین پایگاه مهمی بود که باید پیام عاشورا را می‌شنید و آن را در سینه خود نگه می‌داشت تا به نسلهای آینده منتقل کند. از این رو، امام سجاد(ع) جوئی مناسب و سرشار از احساسات و عواطف انسانی را در مردم مدینه ایجاد کردند و فرمودند: «ای مردم! خداوند به وسیله مصیبت‌های بزرگ و شکستی که بر پیکر اسلام وارد گردید، ما را آزمود. اباعبدالله و عترت او به شهادت رسیدند، زنان و کودکان خاندان او به اسارت گرفته شدند و سر مقدس او را بر فراز نیزه‌ها شهر به شهر عبور دادند!... به خدا سوگند، با ما چنان رفتار شد که اگر پیامبر(ص) خود سفارش کرده بود که با ما بجنگند و ما را بکشند، این مردم گمان نمی‌رفت که بیش از این بر ما ستم کنند. انا لله و انا الیه راجعون» (ابن طاووس، 1411: 115-116). چون مردم مدینه با چهره واقعی اهل بیت(ع) آشنا بودند، امام سجاد(ع) اهل بیت را معرفی نکردند؛ بلکه تنها مهم‌ترین سند غیر قابل انکار نامشروع بودن حکومت یزید؛ یعنی شهادت فرزند پیغمبر اکرم(ص) و اهل بیت او را ارائه کردند.

امام از هر فرصتی برای بیان شرایط جامعه استفاده می‌کردند. ایشان برای متوجه کردن مردم به حال اهل بیت، به منتهال ابن عمرو فرمودند: زندگی خاندان نبوت در میان مردم همانند زندگی بنی‌اسرائیل در میان فراعنه است که مردانشان را سر می‌پریدند و زنانشان را زنده نگه می‌داشتند. امروز روزی است که برای تقرّب و نزدیک شدن به دشمنان اهل بیت، بر پیران و بزرگان آنان، روی منبرها ناسزا و دشنام می‌دهند. امروز قریش بر تمامی عرب ادعای برتری دارد؛ زیرا محمد از آن قبیله است و جز این فخری ندارد و عرب نیز این را پذیرفته است. از سوی دیگر، عربها خود را برتر از عجم می‌شمارند؛ زیرا محمد را از خود می‌دانند و جز این فضلی ندارند و عجم‌ها نیز به این برتری اقرار کرده‌اند. اگر عربها در برتری خود بر عجم راست می‌گویند و اگر قریش در ادعای خود صادق است... باید این فضیلت را برای اهل بیت نیز در نظر بگیرد؛ زیرا پیامبر از این خانواده است. امروز به نام پیامبر، حق از دیگران می‌ستانند و حقی برای آنان روا نمی‌دارند. (واقدی، 1410، ج 5: 169؛ خوارزمی، 1423، ج 2: 71)

حکومت جور با دیدن آشوبها و پی بردن به نقش امام سجاد(ع) در این آشوبها، سخت ایشان را تحت نظر گرفت. امام در این فضا دید که استفاده از خشونت، حاصلی جز ریشه‌کن شدن شیعه ندارد؛ بنابراین،

سبک زندگی سیاسی امام سجاد(ع) و نقش آن در حفظ و رونق شیعه 477

برای بیان مفاهیم دینی و ایجاد شور و شعور در جامعه‌ای که مفاهیم دینی جایگاه اصلی خودش را از دست داده بود، با استفاده از ابزار موعظه و دعا، مردم را با ظلمی که با آن روبه‌رو بودند، آگاه کردند.

2. بیان خصوصیات امام حق

از اقدامات ظالمانه حاکمان جور، تلاش برای انکار جایگاه والای اهل بیت رسول خدا(ص) بود. این حرکت از سقیفه بنی ساعده شروع شد و در زمان معاویه به اوج خود رسید. در زمان امام سجاد(ع) هر کس اظهار ارادت به ساحت قدس اهل بیت می‌کرد، با چوبه دار مواجه می‌شد؛ به حدی که حتی عبدالله ابن زبیر که با داعیه خونخواهی امام حسین(ع) در مکه به حکومت رسیده بود، به بهانه سوءاستفاده اهل بیت از این مسئله، حکم ممنوعیت صلوات بر پیامبر و آل او را صادر کرد(یعقوبی، 1373، ج 3: 8). در چنین شرایطی، امام سجاد(ع) با استفاده از قالب دعا، امام عادل(اهل بیت پیامبر) را این گونه معرفی می‌فرماید:

یک شرط امامت امت، برخورداری از علم تام الهی است که در سایه اتصال به علم لایزال الهی، علم داشتن به سبع المثانی و قرآن عظیم و داشتن عقل کامل میسر می‌شود؛ چرا که با عقلهای ناقص و رأی‌های باطل و قیاسهای فاسد نمی‌توان دین خدا را شناخته و طبق آن حکم راند. تنها اهل بیت پیامبرند که دارای چنین مقامی اند. (صحیفه سجاده، 6: 42؛ 2: 44؛ صدوق، 324: 1363)

دو از جمله مناصب حاکم اسلامی، رسیدن به مقام خلافت، القای خطبه و اقامه نماز عید و جمعه است(صحیفه سجاده، 10: 48) و کسی می‌تواند به چنین مقامی برسد که چشمه جوشان علم الهی باشد که این مسند از شئون قریه مبارکه است. (طبرسی، 313: 1409؛ طبری، 1413، ج 5: 196، 212)

سه کسی می‌تواند به مقام امامت برسد که علم هدایت، وسیله نورافشانی در میان امت اسلامی و وسیله دستیابی به رضوان خدا باشد. در سایه چنین مقامی، اطاعت خدا به اطاعت آنان و معصیت او به معصیت آنان متصل می‌شود. (صحیفه سجاده، 60: 47 و 86)

چهار کسانی می‌توانند به چنین مقامی برسند که پاکان درگاه خدا، برگزیدگان برای فرمان او، خازنان دانش او و پاسداران دین، جانشینان او در زمین، حجتهای خدا بر بندگان، وسیله‌ای به سوی خدا و جلب رضایت او و راهی به سوی بهشت باشند که تنها اهل بیت دارای چنین فضیلتی اند. (همان، 56: 42: 8)

حال که اهل بیت دارای چنین خصوصیت‌هایی اند، منحرف کردن مردم از مسیر ولایت امیرالمؤمنین بزرگ‌ترین گناه است(طبرسی، 319: 1409). حضرت با این کار، توجه مردم را به این بحث جلب می‌کرد که بحث امامت یک بحث دنیوی صرف نیست؛ بلکه نتایج آن همیشه با خود افراد همراه خواهد شد.

حضرت به غیر از بیان خصوصیات امامان حق، حتی تعداد و اجداد آنان را هم بیان می‌کنند که هشت نفرند؛ زیرا ائمه پس از رسول خدا(ص) 12 نفرند به عدد اسباط. سه نفر آنان در گذشته بوده و خود

حضرت چهارمین نفر آنان و هشت نفر دیگر از این پیشوایان نیکوکار از فرزندان ایشان‌اند. کسی که آنان را دوست بدارد... در درجات عالی با آنان همراه خواهد بود و کسی که آنان را دشمن بدارد یا یکی از آنها را نپذیرد، به خدا و آیات او کفر ورزیده است. (صدوق، 1363، ج 1: 319)

3. تبیین وظایف مردم و حاکمان در مقابل همدیگر

در حکومت دینی، مردم و حاکم اسلامی در مقابل همدیگر وظایفی دارند که ماندگاری حکومت، در سایه عمل کردن هر کس به وظیفه خویش است. در صورتی که مردم و حاکم اسلامی هر کدام به وظیفه خود عمل کنند، همگان از نسیم خوش‌رأفت و محبت حکومت دینی بهره خواهند برد.

یک) وظایف حاکمان

از دید اهل بیت(ع)، حکومت وسیله‌ای برای خدمت به دین، خلق خدا و نشر حق است. وظایف دینی در قالب حکومت اسلامی شکل عملی به خود می‌گیرند. برای رسیدن به این مدینه فاضله، حاکم وظایفی به شرح ذیل دارد که باید آنها را انجام دهد.

1. امر به معروف و نهی از منکر: امام سجاد(ع) یکی از وظایف مهم حاکم اسلامی را شناسایی منکرات در جامعه و جلوگیری از انتشار آنها می‌داند که در قالب امر به معروف و نهی از منکر شکل می‌گیرد (همان: 6). از نظر حضرت، کسی که امر به معروف و نهی از منکر را ترک کند، چونان کسی است که کتاب خدا را پشت سر افکنده و بدان اعتقادی ندارد. (امین‌عاملی، 1421، ج 1: 633)

ایشان می‌فرمایند: «وای بر ملتی که فرمان الهی را گردن نهد و امر به معروف و نهی از منکر نکند. کسی که شعار توحید را بر زبان آورد و لا اله الا الله بگوید، دعا و اقرار او به ملکوت آسمان راه نمی‌یابد، مگر زمانی که سخن و اقرار خود را با عمل شایسته کامل کند» (مجلسی، 1362، ج 78: 152). اگر امر به معروف و نهی از منکر یک وظیفه عمومی است، پرواضح است که حاکم اسلامی که وظیفه دفاع از دین را دارد، در این باره وظیفه سنگین‌تری دارد. در نتیجه ترک این وظیفه مهم اجتماعی، وضعیتی پیش آمد که حجاج موقع ورود به مدینه، مرقد پیامبر را به پشته‌ای از خاک و چوب تشبیه کردند که مردم باید به جای زیارت او، کاخ خلیفه را زیارت کنند. (مسعودی، 1965، ج 2: 44)

2. دفاع از حقوق مظلومان: امام سجاد(ع) یکی از وظایف مهم حاکم اسلامی را دفاع از مظلومان می‌داند (صحیفه سجاده، 2: 38). حاکم اسلامی که بزرگ‌ترین وظیفه او روتق دادن فضایل انسانی است، در این خصوص بیشتر از همه موظف است؛ ولی وقتی خود حاکم اسلامی جزء فاسق‌ترین انسانها باشد، چه کسی می‌تواند این وظیفه مهم را انجام دهد؟

سبک زندگی سیاسی امام سجاد(ع) و نقش آن در حفظ و رونق شیعه 479

3. مهربانی با مردم: یکی از وظایف مهم حاکم اسلامی از نظر منابع دینی، مهربانی با مردم و در خدمت مردم بودن است. خداوند به پیامبر اکرم(ص) می‌فرماید: بال رحمت را روی مردم بگستر (حجر: 88). همچنین امام علی(ع) در حکم مشهور خویش به مالک اشتر دستور می‌دهند از لغزشهایی که به عمد یا خطا انجام می‌دهند، در گذرد و از عفو و بخشایش خود نصیبتان دهد (نهج البلاغه: نامه 53). امام سجاد(ع) که در این مکتب بزرگ شده است، خود را بندهٔ پست، نیازمند و ترسنده در درگاه خدا می‌داند (صحیفه سجادیه، 47: 74) و توفیق خدمتگذاری به بندگان خدا را جزء نعمات او معرفی می‌کند (همان: 61). با توجه به اینکه انسان موجود ضعیفی است که اظهار خواهشهای مختلف از طرف مردم موجب باختن خود و احساس غرور می‌شود، امام سجاد(ع) با این دعا این مشکل را تذکر داده و از خداوند درخواست می‌کند توفیق دهد که درخواستها و چالوسی‌های مردم، او را از صراط مستقیم منحرف نکند که شرط رسیدن به چنین جایگاهی، انجام وظایف است (همان: 63). همچنین، حضرت به حاکمان جور تذکر می‌دهند که چاهی که برای هلاکت دیگران کنده‌اند، خود در آن خواهند افتاد و صفحات تاریخ را مدرک مهمی برای این پند و اندرز معرفی می‌کنند. (همان، 49: 8)

4. تلاش برای اقامه حدود الهی: هدف از تشکیل حکومت اسلامی در مکتب نورانی اسلام، اقامه حدود الهی و رفع موانع هدایت است. امام سجاد(ع) در این خصوص دو وظیفه مهم را برای حاکم اسلامی برمی‌شمارند: هم باید برای برپا داشتن کتاب، قوانین، سنتهای رسول خدا و احیای نشانه‌های دین تلاش کند و هم مانع تعرض ستم‌پیشگان نسبت به راه خدا باشد. (همان، 47: 62)

دو وظایف مردم در مقابل حاکم اسلامی

امام سجاد(ع) وظایف مردم را در مقابل حاکمان، در دو فضای مختلف به شرح ذیل بیان می‌فرماید.

1. در صورتی که امام حق برای جامعه عمل پوشاندن به فرامین خدا وظیفه مهم حکمرانی را بر عهده گیرد، وظیفه مردم هماهنگی کامل با ایشان و فرمانبرداری از حکم وی در آشکار و نهان است (همان، 34: 5). یکی از وظایف مهم مردم، تلاش برای حضور حکومت اولیای الهی و اطاعت همه‌جانبه از آنان و جان‌فشانی برای جامعه عمل پوشاندن به دستورات آنان است که به واسطه آنان، کتاب و احکام و قوانین خدا و سنت رسول خدا استوار و آثار دین و معالم شریعت، زنده و زنگار ظلم از راه استوار الهی زدوده شده و مشکلات و سختی‌هایی که در راه وصول به خدا نهاده شده، برطرف می‌شود و منحرفان از صراط مستقیم خدا از میان برداشته می‌شوند. (همان، 47: 63-64)

2. در شرایطی که مردم مبتلا به سلطان جور باشند، امام برای حفظ جان مردم، راهکار دیگری را ارائه می‌دهند؛ در این صورت، مردم باید تلاش کنند خود را از جور سلطان در امان نگه دارند و یاری‌شان تنها در آشکار و برای در امان ماندن از ظلم آنان باشد (شوشتری، بی‌تا: 117). این رهنمود امام سجاد(ع)، ترسیم یک

راهبرد است، نه یک سیاست اصولی؛ زیرا مخاطب امام، کسانی‌اند که متوجه تضاد دستگاه حکومت اموی با دین بودند و هرگز به خود اجازه سکوت در برابر خلفا را نمی‌دادند، چه رسد به همراهی و همگامی با آنان؛ ولی چون شرایط برای ایجاد تحول در دستگاه خلافت کافی نبود و مردم دل در گرو محبت کسانی نداشتند که می‌توانستند آنان را از این وضعیت ظلمانی نجات دهند، امام سجاد(ع) به آنان فرمان تقیه دادند و فرمان جهاد غیر علنی علیه مستکبران و غاصبان خلافت را صادر کردند.

حضرت، حدود اطاعت از حاکم جور را مخالفت نکردن ظاهری با او معرفی می‌کنند، مگر در اموری که موجب سخط خدا شود؛ که برای مخلوق در معصیت خدا اطاعتی وجود ندارد (طبرسی، 1409: 420). حاکمان جور خودشان را در معرض نافرمانی خدا و هلاکت قرار داده‌اند و مردم باید مراقب باشند با آنان در این خصوص همکاری نکنند که موجب نابودی خود آنان خواهد شد. (صحیفه سجاده، 99-96)

در اینجا دستور اطاعت ظاهری از سلطان، در مقام نفی کلی جهاد نیست؛ چه اینکه پدرش حسین بن علی(ع) از دستگاه اموی پیروی نکرد و در مقابل آنان ایستاد و خود حضرت اگر تقدیر الهی نبود و شرایط جهاد را در روز عاشورا دارا بود، بی‌شک به مبارزه با امویان می‌پرداخت. برای فهم بهتر این مطلب، باید به این نکته توجه داشته باشیم که در این دوران، مردم پنج دسته بودند:

مرویین؛ بعد از مشاهده گرفتاری خاندان نبوت در کربلا به وسیله این زیاد و مردم مدینه به وسیله حجاج و مسلم ابن عقبه، برای حفاظت از جان و مال خود سکوت کرده و اعتقادات خود را مخفی کردند.

جاهلان و بی‌خبران؛ خبری از دین و فواید آن نداشتند و فقط در پی گذران زندگی بودند؛ به طوری که وقتی امام(ع) در شام خود را معرفی کردند، بسیاری گفتند: به خدا قسم نمی‌دانستیم پیامبر خاندانی دارد.

مترقان و عیاشان؛ این گروه که بیشتر در زمان عثمان شکل گرفت، هدف زندگی را دست یافتن به بیشترین نعمات دنیوی می‌دیدند و برای آن به هرکاری دست می‌زدند. وقتی مردم دیدند این گروه به بیشترین نعمات دست یافته و زندگی راحتی دارند، به این روش روی آوردند.

انقلابیون نادان؛ با اسلام و جنایات حاکمان و وضع نابسامان جامعه آشنا بودند و برای زندگی محقر دنیا ارزشی قایل نبودند. مشکل اکثر افراد این گروه، نداشتن آگاهی کامل از دین حق و جایگاه اهل بیت پیامبر بود؛ به طوری که امام سجاد(ع) می‌فرمایند: در مکه و مدینه 20 نفر که ما را دوست داشته باشند، وجود ندارد. (ابن ابی‌الحدید، 1414، ج 4: 104)

پیروان واقعی اهل بیت(ع)؛ این گروه تمام تلاش خود را برای جامعه عمل پوشاندن به دستورات اهل بیت(و در این زمان دستورات امام سجاد) به کار می‌بردند، اما تعدادشان بسیار کم بود و در صورت قیام،

481 سبک زندگی سیاسی امام سجاد(ع) و نقش آن در حفظ و رونق شیعه

سرنوشت شهیدان کربلا و قلع و قمع شدن در انتظار آنان بود. در چنین شرایطی، امام(ع) دستور تقیه را برای حفظ جان مردم صادر فرمودند.

شواهد نشان می‌دهد امام(ع) پس از رخداد عاشورا و آزمون مدعیان، برای حفظ شیعه و رشد دین، گروه‌های مخفی را تشکیل دادند. فرصتی که امام باقر و امام صادق(ع) برای ترویج اندیشه‌های فقهی و عقاید امامیه به دست آوردند، محصول خط مشی آگاهانه‌ای بود که امام سجاد برای گسترش حرکت‌های مخفیانه در پیش روی شیعه نهادند و زمینه را برای حرکت گسترده فرهنگی و عقیدتی هموار ساختند. (خامنه‌ای، 1393: 197-196)

4. بی‌توجهی نسبت به حاکمان جور

یکی از حرکات مؤثر امام سجاد(ع) برای بیان غاصبانه بودن حکومت جائران، سیاست بی‌اعتنایی امام به این حاکمان بود؛ به طوری که وقتی در جمعی با این افراد روبه‌رو می‌شدند، کاملاً نسبت به این افراد بی‌اعتنایی می‌کردند و این خود نشانه غاصبانه بودن حکومت آنان بود. از جمله این برخوردها، برخورد ایشان با عبدالملک مروان و هشام است. روزی عبدالملک، امام سجاد را در حال طواف دید. حضرت به او سلام نکردند؛ عبدالملک ناراحت شد و به حضرت گفت: من عبدالملک هستم. من قاتل پدر تو نیستم. امام فرمودند: قاتل پدرم، دنیای پدرم و آخرت خودش را خراب کرد. اگر می‌خواهی تو هم چون او باش. عبدالملک گفت: من آن را دوست ندارم؛ ولی دوست دارم بیایی و احوال ما را بررسی و از امکانات ما بهره‌مند شوی. امام فرمودند: مرا به دنیای تو نیازی نیست. (قطب راوندی، 1409، ج 1: 255)

به غیر از بی‌اعتنایی، امام گاهی با بیان ماهیت واقعی افراد، مردم را از تبعیت حاکمان جور منع می‌کردند. حضرت وقتی عمر بن عبدالعزیز (که در آن زمان حاکم مدینه بود) دیدند که کفشهای بند نقره‌ای در پا داشت و از گستاخ‌ترین مردم بود، برای نشان دادن ماهیت ریاکارانه او فرمودند: «دیری نخواهد پاید که می‌میرد در حالی که اهل آسمان او را لعنت کنند؛ چون در حق ما ستم کرده است و اهل زمین برای او طلب آمرزش می‌کنند». (همان، ج 2: 584-585)

امام سجاد(ع) در یکی از سخت‌ترین دوران جامعه اسلامی به سر می‌برد؛ زیرا از طرفی مردم از مفاهیم دینی فاصله گرفته بودند و از طرف دیگر، حاکمان جور به گونه‌ای عمل می‌کردند که در تضاد علنی با مفاهیم دینی بود و باعث می‌شد بی‌دینی در جامعه رونق پیدا کند؛ از دیگر سو، دشمنان خارجی جامعه اسلامی را تحدید می‌کردند و تضعیف جامعه دینی (حتی با حاکم جور) موجب ریشه‌کن شدن کل جامعه اسلامی می‌شد. در چنین فضایی، امام به گونه‌ای برخورد می‌کردند که هم جامعه اسلامی زنده و با مفاهیم دینی آشنا شود و هم حاکمان جور برخورد امام را وسیله‌ای برای مشروعیت‌بخشی به حکومت خود معرفی نکنند و از طرفی، دشمن خارجی نتواند به کیان اسلامی تجاوز کند. به همین دلیل، ضمن اینکه با عبدالملک

مروان برخورد داشتند، ولی به او برای جواب دادن به نامه قیصر روم و ضرب سکه نیز کمک کردند (ادب، 1368: 159-158). امام در چنین شرایطی از دو راه ایجاد روح تنفر نسبت به بنی امیه و تهیه برنامه فکری- عقیدتی و روانی، در انسجام امت اسلامی بیشترین نقش را داشتند.

5. تلاش برای هدایت عالمان درباری و ظاهر نمایان بریده از دین

یکی از پایه‌های حکومت در هر زمانی، عالمانند که در صورت همراهی با حکومت می‌توانند نقش مؤثری در تحکیم پایه‌های حکومت ایفا کنند و در صورت مخالفت، یکی از تهدیدهای مهم حکومت خواهند بود. در زمان امام سجاد(ع)، خطر محدثان، مفسران، قراء و قضات درباری جدی بود که تلاش می‌کردند با تحکیم پایه‌های حکومت جور، به نان و نوایی برسند. امام برای هدایت این گروه و آشنا کردن آنان با مبانی درست دین، تلاش زیادی کردند که صحبتهای امام با زهری، از نمونه‌های بارز این تلاش است. (حرّابی، 1363: 444-440)

حضرت ابتدا با برخوردهای نصیحت‌گرانه بنا داشتند محمد ابن مسلم زهری (124-58 ق) را (که یکی از عالمان درباری بود) بیدار سازند؛ لذا به طور غیر مستقیم به او فهماندند که دنیا طلبی ریشه همه گناهان و ستمهاست و هیچ چیز نزد خدا بعد از توحید و ایمان به نبوت، مثل بغض دنیا نیست و دنیاخواهی شعبه‌های فراوانی از جمله: کبر، حسد، عشق به زنان، حب ریاست، راحت طلبی، بزرگی خواهی و دوست داشتن ثروت دارد (کلینی، ج 3: 197) و برای متوجه کردنش در حضور او اینگونه دعا کردند: «ای نفس! تا کی به دنیا دل می‌بندی و تکیهات را آبادانی آن قرار می‌دهی؟ آیا از نیاکانت عبرت نمی‌گیری؟» (ابن کثیر، 2003، ج 9: 128). بعد از ناامیدی امام از هدایت وی به این روش، سرانجام در نامه‌ای تند، نتیجه کارهای زشتش را به او گوشزد کردند که عبارتند از: ندانستن قدر نعمت هدایت و ضایع کردن آن؛ برداشتن وحشت ستمگران و تبدیل آن به انس؛ قطب آسیاب ظلم ستمگران شدن و هموار کردن راه ستمگری برای آنان که هیچ وزیری نتوانست به این اندازه راه ستمگری آنان را بگشاید؛ تبدیل شدن به وسیله‌ای برای توجیه ستم ظالمان؛ بدبین کردن مردم نسبت به عالمان واقعی. در نهایت او را نسبت به آینده کارهای زشتش تذکر دادند که در روز قیامت باید پاسخی برای این ستمکاری‌ها در درگاه خدا داشته باشد که به طور حتم جوابی در آن روز سخت نخواهد داشت. (حرّابی، 1363: 314-313)

عباد بصری از جمله عالمانی بود که تظاهر به دینداری می‌کرد و تلاش داشت برای رسیدن به جایگاه اجتماعی از جایگاه اهل بیت بکاهد که برخوردهای او با امام صادق(ع) و امام سجاد(ع) مشهور است. او در یک سفر حج با شمردن محاسن جهاد و با استناد به آیات قرآن از حضرت سؤال کرد که چرا جهاد را ترک کرده و به حج آمده‌ای؟ امام در جواب با استناد به آیات قرآن، ضمن بیان جهل او نسبت به علم قرآن فرمودند: «ها هر گاه یار و انصاری داشته باشیم، در دفاع از حق کوتاهی نخواهیم کرد». (کلینی، ج 5: 22)

483 سبک زندگی سیاسی امام سجاده(ع) و نقش آن در حفظ و رونق شیعه

امام برای کاستن از جایگاه اجتماعی ظاهر نمایان و متصوفه و بیان جایگاه واقعی آنان فرمودند: «گروهی از این امت بعد از اینکه از امامان دین و شجره نبوت جدا شدند، نحله‌ها و فرقه‌هایی شدند؛ گروهی در اوهام رهبانیت خود را گرفتار کردند». (اربی، بی‌تا، ج 2: 293)

مردم مکه و حاجیان در سالی به گروهی از همین عابدان زاهدنا برای طلب باران متوسل شدند و آنان دعا کردند و اجابت نشد. امام سجاده(ع) بر آنان وارد شده، بعد از آنکه آنان را مخاطب قرار دادند، فرمودند: آیا در بین شما کسی نیست که خداوند رحمان او را دوست داشته باشد؟ ... از کعبه دور شوید؛ چه اینکه اگر یکی از شما محبوب خداوند رحمان بود، دعایش اجابت می‌شد. بعد، حضرت به نزدیک کعبه رفتند و به سجده افتادند و دعا کردند و هنوز دعایشان تمام نشده بود، باران بارید (مجلسی، 1362، ج 46: 51). حضرت در بین این جمع با اینگونه خطاب، به صراحت مطرود بودن آنان را از درگاه حق تعالی اعلام می‌دارند و با نشان دادن اجابت دعای خود، هر روشی جز روش امامان(ع) را باطل معرفی می‌کنند.

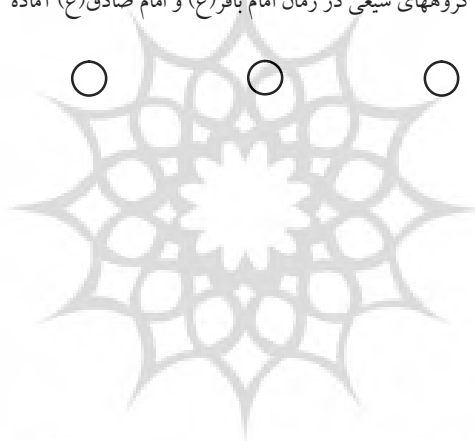
6. مبارزه با جبرگرایی

یکی از کارهایی که حکام جور برای جا انداختن حکومت خود انجام دادند، تمسک به جبرگرایی بود. طلایه‌دار انتشار تفکر جبرگرایی معاویه در جریان انتخاب یزید بود. (طبری، بی‌تا، ج 2: 262؛ دینوری، 1371: 97)

یزید هم برای ساکت کردن مردم و کاستن جایگاه اهل بیت(ع) در مجلس خودش گفت: «مگر خدا علی ابن الحسین را نکشت؟». امام سجاده(ع) در مقابل یزید برای خنثی کردن فتنه او فرمودند: «برادری داشتم که مردم او را کشتند» (خوازمی، 1423، ج 2: 42). حضرت در پاسخ کسی که در مورد تقدیر الهی پرسید، فرمودند: «قدر و عمل به منزله روح و جسم هستند. آگاه باشید که ظالم‌ترین مردم کسی است که ظلم ظالم را عدل تلقی کند و عدل هدایت یافته را ظلم بداند». (صدوق، 1363: 367-366)

هـ) بحث و نتیجه‌گیری

اهل بیت پیامبر برای هدایت جامعه از تمام ابزارهای مورد نیاز استفاده می‌کردند که از مهم‌ترین آنها، تشکیل حکومت اسلامی بود؛ البته تشکیل حکومت دینی هدف نهایی و اصلی نبوده، بلکه مطلوبیت آن تابع زمینه‌سازی مسیر هدایت است. امام سجاد(ع) از جهات مختلف زمینه را برای تشکیل حکومت آماده نمی‌دیدند، با همه اینکه آن را وظیفه می‌دانستند. به همین سبب، به دنبال تربیت نسلی مناسب با حکومت اسلامی بودند. لذا برای این کار، سبک زندگی سیاسی ویژه‌ای را اتخاذ کردند که از جمله آنها می‌توان به تأکید بر عقلانیت به جای عاطفه، بیان خصوصیات امام عادل، تبیین وظایف مردم و حاکمان در مقابل همدیگر، کاستن از شأن اجتماعی حاکمان جور به وسیله بی‌توجهی به آنان، تلاش برای هدایت عالمان درباری به عنوان ابزار توجیه قدرت ستمگران و مبارزه با جبرگرایی اشاره کرد. امام سجاد(ع) با تشکیل گروههای مخفی، زمینه را برای تشکیل گروههای شیعی در زمان امام باقر(ع) و امام صادق(ع) آماده کردند.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

منابع

- قرآن کریم.
- نهج البلاغه.
- صحیفه سجادیه، (1393)، قم: دفتر نشر معارف.
- ابن ابی الحدید، عزالدین (1414 ق). شرح نهج البلاغه. بیروت: دار احیاء التراث العربی، چ دوم.
- ابن طاووس، موسی بن جعفر (1411 ق). اللهوف فی قتلی الطفوف. قم: مکتب الاعلام الاسلامی.
- ابن کثیر، اسماعیل بن عمر (2003). البدایه و النهایه. بیروت: دار هجر للطباعة و النشر.
- ادیب، عادل (1368). زندگی تحلیلی پیشوایان ما. تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی، چ هفتم.
- اربلی، علی ابن عیسی (بی تا). کشف الغمه فی معرفه الائمه. قم: شریف رضی.
- امین عاملی، سید محسن (1421 ق). اعیان الشیعه. بیروت: دارالتعارف.
- برزگر، ابراهیم و مسعود کریمی بیرانوند (1394). «نقش معنویت‌گرایی دینی بر سبک زندگی سیاسی در انقلاب اسلامی». رهیافت انقلاب اسلامی، سال نهم، ش 32.
- حرانی، حسن ابن علی (1363). تحف العقول. ترجمه احمد جنتی. تهران: علمیه اسلامیه.
- خامنه‌ای، سید علی (1393). انسان 250 ساله. تهران: صهبا، چ سی و ششم.
- خوارزمی، محمد بن احمد (1423 ق). مقتل الحسین علیه السلام. قم: انوار الهدی.
- دهخدا، علی اکبر (1377). لغت نامه، تهران: مؤسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران.
- دینوری، عبدالله ابن مسلم (1371). الامامه و السیاسه، ج 1. قم: منشورات الشریف الرضی.
- رنجبر، محسن (1386). نقش امام سجاد در رهبری شیعه. قم: مؤسسه امام خمینی، چ چهارم.
- شوشتری، نورالله (بی تا). احقاق الحق. قم: کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی.
- شهیدی، سید جعفر (1374). زندگانی علی ابن الحسین. تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی، چ ششم.
- صدوق، محمد بن علی (1363). کمال الدین و تمام النعمه. قم: اسلامی.
- طبرسی، احمد بن علی بن ابیطالب (1409 ق). الاحتجاج. بیروت: مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، چ دوم.
- طبری، حسن ابن علی (بی تا). کامل بهایی، ج 2. تهران: مصطفوی.
- طبری، محمد ابن جریر (1413 ق). تاریخ الامم و الملوک. بیروت: الاعلمی للمطبوعات، چ پنجم.
- قطب راوندی، سعید ابن هبه الله (1409 ق). الخرائج و الجرائع. قم: مؤسسه الامام مهدی.
- کلینی، محمد ابن یعقوب (1369). اصول کافی، تهران: کتاب فروشی علمیه اسلامیه.
- کوفی، ابومحمد احمد ابن اعثم، (1411ه) الفتوح، تحقیق علی شیری، بیروت: دارالاضواء.
- مجلسی، محمدباقر (1362). بحار الانوار. تهران: مدرسه ولیعصر.
- مسعودی، علی ابن الحسین (1965 م). مروج الذهب و معادن الجواهر. بیروت: دارالاندلس.
- مطهری، مرتضی (1385). حماسه حسینی. قم: صدرا، چ سی و نهم.

- مظفر، محمدحسین (بی تا). تاریخ الشیعه. قم: منشورات مکتبه بصیرتی.
- معین، محمد (1386)، لغت نامه، تهران: نشر زرین، چاپ سوم.
- مهدوی کنی، محمدسعید (1387). «مفهوم سبک زندگی و گستره آن در علوم اجتماعی». تحقیقات فرهنگی، ش 1.
- مهربانی، امیرحمزه و همکاران (1390). «معرفی روش‌شناسی نظریه داده‌بنیاد برای تحقیقات اسلامی». مدیریت فرهنگ سازمانی، سال نهم، ش 23.
- واقدی، محمد ابن سعد کاتب (1410 ق). الطبقات الکبری. بیروت: دارالکتب العلمیه.
- یعقوبی، حمد ابن ابی یعقوب (1373). تاریخ یعقوبی، ج 3. قم: منشورات شریف رضی.
- **Holly Quran.**
- **Nahjolbalagha**
- **Sahifeh sajjadieh.** (2014) Qom: Islamic Publication.
- Amin Ameli, Seyyed Mohsen (1421). **Aayano al-Shi'a.** Beirut: Dar al-Tha'arof.
- Barzegar, Ibrahim & Masoud Karimi Beyranvand (2015). **“The Role of Religious Spirituality on Political Life Style in Islamic Revolution”.** *Journal of the Islamic Revolutionary Approach*, 9th Year, No. 32.
- Dehkhoda, Ali Akbar (1998), **Dictionary**, Tehran: Tehran University Press and Publishing Institute.
- Dinawari, Abdullah Ibn Muslem (1992). **Al-Imamah and Al-Siasah**, 1. Qom: al-Sharif al-Razi publication.
- Erbeli, Ali Ibn Isa (n.d.). **Kashf al-Ghammah Fi Maarefat al-Aemah.** Qom: Sharif Razi.
- Harrani, Hassan Ibn Ali (1984). **Tohaf Aloql.** Translation by Ahmad Jannati. Tehran: Elmiyeh Islamiyah Publication.
- Ibn Abi Al-Hadid, Izz al-Din (1414). **A Description of Nahj Al-Balaghah.** Beirut: Dar Ehiya Torath al-Arabi, Ed 2.
- Ibn Kathir, Ismail Ben Omar (2003). **Al-Badayah and Alnahayeh.** Beirut: Dar Al Hejr Liltba'at and Al-Nashr.
- Ibn Tawoos, Musa ibn Ja'far (1411). **Allohuf Fi Qatl al-Tufov.** Qom: Maktab Al aalam Al-Islami.
- Khamenei, Seyyed Ali (2014). **250-years-old Man.** Tehran: Sahba Publication, 36th Ed.
- Kharazmi, Mohammad ibn Ahmad (1423). **Maqtal Al-Hussein (pbuh).** Qom: Anvar al-Hoda.
- Kofi, Abu Muhammad Ahmed ibn Aatham, (1411), **al-Fottooh**, Research by Ali Shiri, Beirut: Daralazwa.
- Koleini, Mohammad Ibn Yaghoub (1369), **Osole kafi**, Tehran: Book of Islamic Seminary of Islamiyah.
- Mahdavi Kani, Mohammad Saied (2008). **“The Concept of Life Style and its Scope in Social Sciences”.** *Quarterly Journal of Cultural Research*, No. 1.
- Majlesi, Mohammad Bagher (1983). **Bahar Al-Anvar.** Tehran: Vali-e-Asr School Publication.

- Mas'udi, Ali Ibn Al-Hussein (1965). **Moruj al-Zahab and al-Maaden Al Jawahar**. Beirut: Daral- Ondolos.
- Mehrabi, Amir Hamzeh & Others (2011). “**The Introduction of the Methodology of the Data Base Theory for Islamic Research**”. *Organizational Culture Management*, Ninth year, No. 23.
- Moin, Mohammad (2007), Dictionary, Tehran: Zarrin Publishing, Third Edition.
- Motahhari, Morteza (2006). **Epic of Hussein**. Qom: Sadra Publication, 39th Ed.
- Mozaffar, Mohammad Hussein (n.d.). **Al-Shi'a History**. Qom: Basirati Publication.
- Odib, Adel (1989). **The Analytical Life of Our Leaders**. Tehran: Islamic Culture Publication Office, 7th Ed.
- Qotb Ravandi, Sa'id Ibn al-Hebat Allah (1409). **Al-Kharrayj and Al-Jarayah**. Qom: Al-Emam Mahdi Institute.
- Ranjbar, Mohsen (2007). **The Role of Imam Sajjad in the Leadership of Shi'a**. Qom: Imam Khomeini Institute Edlishing House, 4th Ed.
- Sadouq, Mohammad ibn Ali (1984). **Kamal al-Din and Tamam al Neamah**. Qom: Islamic Publication.
- Shahidi, Seyyed Ja'far (1995). **Ali Ibn al-Hussein's Life**. Tehran: Islamic Culture Publication Office, 6th Ed.
- Shushtari, Noorollah (n.d.). **Ehqaq Al-Haq**. Qom: Library of Ayatollah Marashi Najafi.
- Tabari, Hassan Ibn Ali (n.d.). **Kamele Baha'i**, 2nd ed. Tehran: Mostafavi Publication.
- Tabari, Mohammad Ibn Jarir (1413). **Tarikh al Omam and Al-Muluk**. Beirut: Institute for the Study of Press, 5th Ed.
- Tabarsi, Ahmad ibn Ali ibn Abitaleb (1409). **Alehtejaj**. Beirut: Institute for the Study of Press, 2nd Ed.
- Vaqedi, Muhammad Ibn Saad Kateb (1410). **Al-Tabaqat al-Kobra**. Beirut: Dar al-Kotob Al-Elmiyah.

